

شب وفات پیامبر ﷺ



حجرت ۵۴

سید احمد الحسن علیّه السلام :

هیچ خیری در فراوانی نماز و روزه و عبادت نیست:
اگر تو را به سمت انصاف و ملاحظه بادیگران سوق ندهد...



۱۹/ شعبان/ ۱۴۳۹



وصیت یونان در شب وفات

امام صادق علیه السلام از پدرانش... از امیرالمؤمنین علی علیه السلام خبر داد که رسول الله ﷺ در شب وفاتش به امام علی علیه السلام فرمود:
ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور، رسول الله ﷺ وصیتش را به امام علی علیه السلام املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود:

یا علی، بعد از من دوازده امام است و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش «محمد» مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن‌ها دوازده امام هستند و پس از آن‌ها، دوازده مهدی خواهند بود؛ پس «هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می‌نماید. او سه نام دارد؛ نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است.

ترجمه کتاب غیبت شیخ طوسی
ص ۲۰۰، ج ۱

نسب سید احمد الحسن

سید احمدالحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمدبن‌الحسن العسکری علیه السلام می‌باشد. سید احمدالحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام می‌باشد که برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول‌الله ﷺ بشارت تولد ایشان را دادند؛ و فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان می‌باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ میلادی در نصف اشف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی علیه السلام همچون دعوت رسول‌الله ﷺ به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:
۱) نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول‌الله ﷺ را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده‌اند و با آن، همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده.
۳) پرچم البیعه‌الله «دعوت به حاکمیت خدا»

سردبیر

علم و معرفت

زیست‌شناسان قائل‌اند که در زیست‌شناسی هیچ مجالی برای نبوت کسی باقی نمانده است؛ زیرا علم، تفسیر هر چیزی را بر عهده گرفته و زمان معجزات، تماماً به پایان رسیده است و اگر بنا بر فرض معجزه‌ای هم رخ دهد حتماً مطابق با نظریات علمی جدید خواهد بود و در این صورت آورندهٔ معجزه، مانند کسی خواهد بود که اصلاً هیچ چیز [جدیدی] نگفته است.

ریچارد فاینمن می‌گوید: «ما فقط شگفت‌انگیزتر از آنچه تخیل می‌کنیم نیستیم، بلکه شگفت‌انگیزتر از آن هستیم که بتوان تخیل کرد».

دانشمندان اهل قطع و یقین نیستند؛ زیرا علم قادر به پاسخ بسیاری از مسائل نیست؛ به‌عنوان مثال، علم نمی‌تواند تعیین کند عامل تجزیهٔ خودبه‌خودی نمی از اتم‌های عناصر رادیواکتیو بدون نیمی دیگر چیست. اینجا مقصود کم‌اهمیت نشان دادن علم نیست، لیکن سخن ما در علم است و گویا اشکال‌کننده، علم را مفسر همه‌چیز می‌داند، درحالی‌که خود دانشمندان چنین نظری ندارند؛ و اگر در میان دانشمندان کسی چنین نظری داشته باشد باید لطف کند و به ما خبر دهد فضایی که واکنش‌های کثیف در آن رخ می‌دهد -حالا هرقدر هم که ریز باشند- از کجا آمده است؟ علم می‌تواند با قطعیت زیادی قائل به غیرممکن‌بودن یکچیز باشد، اما خود دانشمندان ممکن است در اثر تکبر به کوری موقت دچار گردند؛ همان‌طور که ریچارد داوکینز چنین شد و شروع به تمسخر یک قبیلهٔ بدوی کرد که ترتیب سنگ‌ریزه‌ها در منظرهٔ ساحل را معلول یک سببی می‌دانستند. درحالی‌که ترتیب سنگ‌ریزه‌ها در ساحل، سببی روشن دارد و آن سبب همانا جاذبه و حرکت جزر و مد است و ...

اما سوآلی که در اذهان برخی افراد مطرح می‌شود این است:

ایزار نبی که خواهد آمد چیست؟

آیا ایزار او تفسیر مسائل پیچیده و ظاهری خواهد بود؟

آیا او از بحث علمی -که هنوز متوقف نشده است- پشتیبانی خواهد کرد؟ و آیا در این صورت هدفش تفسیر مفسر و ساده‌سازی مفاهیمی خواهد بود که بشریت تاکنون به آن رسیده است؟ و آیا تنها کسانی او را تصدیق خواهند کرد که ذهن و گفتار خود را از حیث اعتبار علمی از دست داده‌اند؟

من این را محال می‌دانم، اما بر فرض محال، پاسخ این است که آمدن یک نبی، چیز جدید و خارج از [روش] انبیای پیشین نخواهد بود. خداوند، انبیا را ارسال نمی‌کند که آسمان‌خراش بسازند یا نظریات علمی پیشکش کنند. انبیا علم را پشتیبانی می‌کنند «رسول اکرم (ص) فرمودند: در طلب علم باش، گرچه در دور دست‌ترین نقطه باشد»؛ اما این وظیفهٔ اساسی و هدف رسولان نیست. انبیا و فرستادگان خداوند، طبیب ارواح‌اند، ولی علم تا همین امروز قادر به اثبات وجود روح نبوده است و تمام موضوع علم، واکنش‌های شیمیایی و مسائل مربوط به آثار نفسانی انسان می‌باشد؛ در نتیجه علم، از وظیفهٔ انبیا کاملاً دور است. وظیفهٔ انبیا، روشن کردن راه برای ارواح مردم به‌سوی خالق به‌صورت صحیح است؛ و به‌عنوان مثال، شبیه آن دین [تحریف‌شده] امروزی نیست که سعی در راضی کردن فقیر به فقرش و زیاده‌خواهی ثروت طاغوت‌هاست.

هیچ‌یک از ادیان، ماهیت روح و همچنین ظواهر طبیعی که علم و تجمع دانش، مفسر آن بوده است را اثبات نکرده است. علم و اکتشافات 200 سال اخیر نشان داده است که بشریت قرن‌ها اهل عبادت و ادیان -با تمام گرایش‌هایش- بوده است، اما اصلاحات، تبدیل به یک سامانهٔ ارزشمند اجتماعی شده است که مرتبط با ظرفیت مردم و سطح فهمشان است و نیازمند یک مصالح آسمانی ضروری نیست .

آری؛ ما، بر اساس علم، نتیجهٔ تکامل طولانی‌مدت و آهسته هستیم و ممکن نیست در مسیری بر خلاف جهت ژن‌های خودخواهمان حرکت کنیم و به همین دلیل است که علم نمی‌تواند جهش اخلاقی را که برای سومری‌ها اتفاق افتاد تفسیر کند. هرگونه آگاهی یا اصلاحات اجتماعی مدیون اولین انسانی است که نفس خود را انکار کرد و اخلاق را پایه‌گذاری نمود. انبیا ادامهٔ همان انسان و وارثان او در اتصال به آسمان هستند. (رسول اکرم: من نیامدم جز برای کامل کردن مکارم اخلاق). از لحاظ علم، ممکن نیست که به اخلاق دعوت کنیم؛ زیرا این یک دعوت به قطع و گسست بر خلاف نظریهٔ تکامل و بر خلاف طبیعت ماست که در ژن‌های خودخواهمان در طولانی‌مدت ریشه دوانده است. در مسیر ژنتیکی خودخواهانه که به حلقه‌های بعدی متصل می‌شود دلیل علمی یافت نمی‌شود که مانع زردی زرد و قتل شود. همهٔ سخن در خطای زردی و مشابه آن است که در بُعد غیر علمی یافت می‌شود و آن بعد اخلاقی است.

تعلیم منبر از نیست



ادامه مطلب در صفحه دوم

طول عمر امام زمان

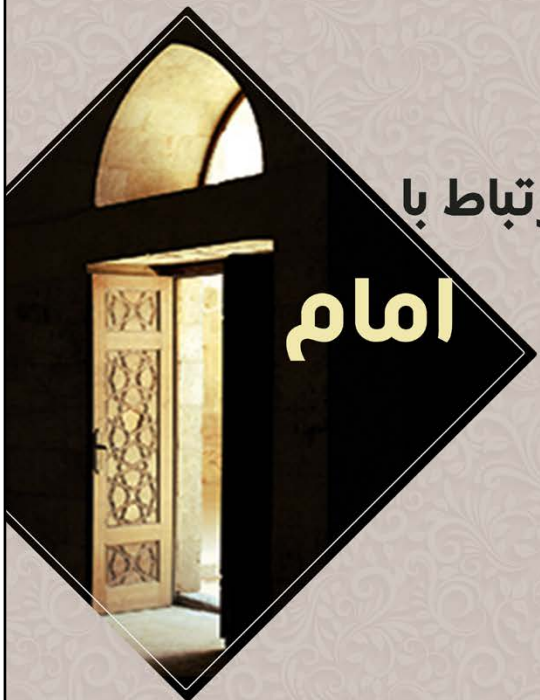
چگونه امام مهدی علیه السلام بیش از ۱۰۰۰ سال عمر کرده است؟

زندگی بیش از ۱۰۰۰ سالهٔ امام مهدی علیه السلام تماماً در جهان ما نبوده است، زیرا اساساً زندگی در چنین بازه زمانی ممکن نیست (مگر با معجزه). سید احمدالحسن در موضوع طول عمر نوح علیه السلام می‌فرمایند....

ادامه مطلب در صفحه چهارم

راه‌هاک ارتباط با

امام



در قسمت‌های پیشین در خصوص زمانی که حجتی از حجت‌های خداوند، از دید عموم انسان‌ها پنهان بوده و از طریق واسطه‌هایی با آنان در ارتباط است، صحبت شد؛ همچنین حکمت وجود این واسطه‌ها و راه شناخت آن‌ها و نیز در خصوص سفیران چهارگانه امام مهدی و توثیقات آن‌ها صحبت شد. در ادامه نیز در مورد واسطه‌های ارتباطی با سید احمدالحسن -اعم از حقیقی و مجازی- صحبت شد و توثیقات آنان بیان گردید.

ادامه مطلب در صفحه دوم

قسمت چهارم

معجزه در لغت به معنی امری که عادت را خرق می‌کند (می‌شکافد) و بسیار شگفت‌انگیز است، معنی شده است. هدف از معجزه، معجزهٔ قاهره که هیچ‌گونه غیبی در آن نباشد نیست؛ از همین‌رو، رسولان و حجت‌های الهی به اذن خدا معجزاتی را می‌آورند که متناسب با زمان است.

معجزه

مهدی آخرالزمان

ادامه مطلب در صفحه سوم

از این، آن شخص غائب شود، برای شناسایی چهرهٔ او و شخصیت حقیقی‌اش بعد از آمدن از غیبت، از رؤیا استفاده نمی‌شود، بلکه از همان معتمدین و شهودی استفاده می‌شود که پیش‌تر از آنان گفته شد؛ افرادی که احمدالحسن را دیده‌اند و او را می‌شناسند و البته قابل اعتمادند و دلیلی هم برای خیانت و هم‌دستی آن‌ها در دروغ‌گویی، وجود ندارد.

درباره غیبت امام عصر (ع) هم همین گفته می‌شود، امام عصر (ع) یک‌مرتبه هزار و اندی سال قبل، به خلافت رسید و به وصیت احتجاج کرد و بدین‌وسيله مصداقِ وصي امام عسکری مشخص شد و بعد که امام مهدی (ع) به غیبت رفتند، پس از آمدن او از غیبت، او و چهرهٔ او با وصیت و قانون معرفت حجت شناخته نمی‌شود، بلکه با مولایی شناخته می‌شود که طبق روایت با او در ارتباط است، همان یمانی که در روایت آمده «یدعو الی صاحبکم»؛

بنابراین، اگر حجتی از حجت‌های خداوند بعد از احتجاج به وصیت و بعد از آنکه مصداق حجت موعود مشخص شد، به غیبت رفت، در اینجا وقتی او از غیبت برمی‌گردد با وصیت و رؤیا شناخته نمی‌شود، بلکه با شهود و نمایندگانش که او را دیده و می‌شناسند، می‌شناسیم؛

بنابراین امام مهدی از طریق یمانی و یمانی از طریق نمایندگان و شهود او شناخته می‌شود؛

به بیان دیگر، وصیت و به‌طور کلی، قانون معرفت حجت، برای تطبیق بین شخصیت حجت مذکور در وصیت و بین مصداق او در عالم خارج است، نه برای شناختن شخصیت حقیقیِ او؛

و این دو نکته مهمی است که نباید بین آن‌ها خلط شود؛

همچنین حکمت و رحمت خدا اقتضا می‌کند که مؤمنین به گمراهی وارد نشوند، درحالی‌که در بین آن‌ها قابلیتِ موجود است و یا خدا قصد اتمام حجت دارد.

راه‌های قطعی دیگری نیز وجود دارد که در صورت نیاز، خدا آن را برای جتتش قرار می‌دهد.

درهرصورت باید بدانیم که خدا هیچ‌وقت قصد گمراهی امت را ندارد و هدف خداوند، هدایت مردم است. والحمدلله



عیسی آموخته بود؟ درحالی‌که یهودیان خوب می‌دانستند که او تعلیم‌یافتهٔ شخصی از اشخاص نیست. عیسی خود تعلیم آن را برایمان این‌گونه توصیف می‌کند:

و چون نصف عید گذشته بود، عیسی به هیکل آمده، تعلیم می‌داد؛ و یهودیان تعجب نموده، گفتند: «این شخص هرگز تعلیم نیافته، چگونه کتب را می‌داند؟» عیسی در جواب ایشان گفت: تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من است. اگر کسی بخواهد ارادهٔ او را به عمل آرد، دربارهٔ تعلیم خواهد دانست که از خداست یا آنکه من از خود سخن میرانم. هر‌که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب بود و اما هر‌که طالب جلال فرستنده خود باشد، او صادق است و در او ناراستی نیست. (یوحنا ۷: ۱۴–۱۸)

فرستندهٔ عیسی است که او را برای این مقام و جایگاه تعلیم داده است و سخن عیسی، سخن اوست؛ پس علاوه بر آنکه خداوند، فرستادگان خود را با سفارش و وصیت به فرستادگان پیشین معرفی می‌کند، علم و حکمت را نیز برای فرستادهٔ خود قرار می‌دهد تا محل رجوعی برای مردمش باشد. علمی که دست‌آموز دیگران نیست، بلکه خود منشأ تعلیم به مردمان است.

این علم و حکمت، آب حیاتی بود که عیسی آن را به هر‌کس که طالبش بود می‌نوшاند. در یوحنا آمده است:

و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت: «هر‌که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد. کسی‌که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد» ... آنگاه بسیاری از آن گروه، چون این کلام را شنیدند، گفتند: «در حقیقت این شخص همان نبی است»؛ و بعضی گفتند: «او مسیح است» ... (یوحنا ۷: ۳۷–۴۱)

از این کلام مشخص می‌شود که فرستادهٔ خداوند زمانی که پرده از علم خود بردارد و مردم به طلب آن علم بلند شوند، خود خواهند دانست که این علم از خداست و آوردهٔ علم بی‌شک فرستاده‌ای از سمت خداست.

پس پسر انسان –آن‌کس که آمدنش را عیسی وعده است– نیز باید به همراه خود، علمی از منشأ خداوند داشته باشد تا بدین‌وسيله به منتظرانش حقیقت دعوت خود را آشکار نماید.



راههای ارتباط با امام

قسمت چهارم:

در این قسمت می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که: بر فرض گمراهی و خیانت واسطه‌ها و یا از دسترس خارج شدن واسطه‌های مجازی، راه اطلاع از آن و یا راه شناخت معصوم، درصورتی‌که در این هنگام ظهور کند چیست؟!

در ابتدا باید گفت شخصی که هیچ‌وقت مردم را به گمراهی وارد نمی‌کند و از هدایت خارج نمی‌سازد، همان معصومی است که بر او نص شده است.

زیرا عصمت امری باطنی است و خداست که به باطن اشخاص آگاه است.

همچنان که سید احمدالحسن در تفسیر آیه اکمال دین می‌فرماید: در هر زمان حجتی وجود دارد که بر او نص شده است و وظیفه مردم، تبعیت از اوست... اما اگر به خاطر وجود مانعی حجت خداوند غائب شود در این صورت از طریق سفیرانی با مردم در ارتباط خواهد بود؛ خلیفه خدا با نص خود بر این سفرا، اعتماد خود به آنان را آشکار می‌سازد و نص او، به‌واسطه شهادت عموم مؤمنین به مردم می‌رسد؛ همچنین حجت خدا، عاصم و بازدارندهٔ نوابِ خود، از گناه، گمراهی، خطا و خیانت است و او بر عمل آنان نظارت و اشرف کامل دارد.

همچنین گاهی این ثقات، به خاطر اخلاص بالا به روح‌القدس می‌رسند و مسدد می‌شوند (ر.ک به کتاب متشابهات و نبوت خاتمه)

اما احتمال و امکان خطا و خیانت از سوی آن‌ها وجود دارد و این مسئله موجب سؤال است که اگر آن‌ها اشتباه کردند و خیانت کردند، از کجا بفهمیم که دیگر مورد اعتماد امام نیستند؟ درحالی‌که آن‌ها واسطه امام هستند و همچنین ابزارهای مجازی ارتباطی با ایشان هم از طریق همین واسطه حقیقی، ثابت شده بودند.

پاسخ به این سؤال و شبهه بسیار ساده است:

ما از طریق نص خود ایشان، به مکتب که راه ارتباطی اصلی با امام احمدالحسن (ع) می‌باشد ایمان آوردیم و این نص از طریق شهادت عموم مؤمنین بیان شده است؛ یعنی شاهدانی بر نص امام (ع) وجود داشتند تا ما به یقین برسیم؛ یعنی شاهدانی که به شکل متواتر این نصوص توثیقی را بیان نمودند. (همچنان که گفته شد، نص متواتر قطعی است و تواتر وزنهٔ قیاسی عقلی است و حجیتش از عقل و بدهات عقل، استنباط می‌شود).

در مقابل، راه اطلاع از خیانت واسطه‌ها نیز، نص خود ایشان خواهد بود که از طریق مؤمنینی که شاهد نص توثیقی بودند، به مردم می‌رسد. و البته ناگفته پیداست که استدلال هر فرد یا افرادی بر خیانت این واسطه‌ها بدون به همراه داشتنِ نصِ خود امام احمدالحسن، استدلالی واهی و احتجاج به شک خواهد بود.

در اهمیت نقش شهود، همین بس که حتی نص و وصیت خلفای خداوند به حجت‌های بعدی نیز از طریق شاهدهایی به دیگران می‌رسد؛ پس نقش این شاهدان، اساسی است و کسی نمی‌تواند نقش آن‌ها در نقل این نصوص را انکار کند، چه در شناخت حجت خدا و چه شناخت واسطه‌های حجت خدا؛ بنابراین در صورت وقوع خیانت، این شهود، ما را مطلع می‌سازند و راه اطلاع از خیانت واسطه‌ها و نواب و شناسایی امام (ع) درصورتی‌که در این حین ظاهر‌شوند، همین شهود هستند.

در این بین، برخی اشکالی بدین مضمون مطرح می‌کنند که:

مگر نه اینکه راه شناخت حجت (قانون معرفت حجت) نص (نص الهی که همان رؤیاست و نص و وصیت حجت سابق) و علم و دعوت به حاکمیت خداوند است؟ پس چرا شما واسطه‌ها و شهود را راه شناخت حجت می‌دانید؟!

در پاسخ باید گفت: قانون معرفت حجت (رؤیا، وصیت، علم و دعوت) فقط برای تشخیص مصداق خلیفه‌الله در هرزمان است؛ وقتی گفته می‌شود تشخیص مصداق، ینی آنکه بفهمیم مصداق احمد مذکور در وصیت رسول خدا، این شخصی است که نام او احمد است و نام پدرش اسماعیل بوده و در دانشکده مهندسی بصره تحصیل کرده و چنین و چنان است (صفات ظاهری و شخصیتی).

وقتی گفته می‌شود تشخیص مصداق، یعنی آنکه بفهمیم مصداق احمد مذکور در وصیت رسول خدا (ص)، همین شخص است و نه فردی دیگر، تشخیص مصداق بدین معناست؛ و در این حال اگر بعد از اینکه مصداق شناخته شد (و فهمیده شد مصداقِ احمد مذکور در وصیت، همین شخص است)، چنانچه پس

تعلیم من از من نیست

در عهد قدیم می‌خوانیم:

و دانیال متکلم شده، گفت: اسم خدا تا ابدالایاد متبارک باد، زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است؛ و او وقت‌ها و زمان‌ها را تبدیل می‌کند، پادشاهان را معزول می‌نماید و پادشاهان را نصب می‌کند. حکمت را به حکیمان می‌بخشد و فطانت‌پیشگان را تعلیم می‌دهد. اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می‌نماید. به آنچه در ظلمت است عارف می‌باشد و نور نزد وی ساکن است. (دانیال ۲: ۲۰–۲۲)

حقیقت همین است که صاحب علم خداست و آن را به کسانی که برای هدایت ما فرستاده است، می‌بخشد؛ تا بدین وسیله، علم، احکام و هر آنچه انسان برای زندگی بدان نیازمند است را در میان خلق گسترش دهد و در مواقعی که میان فرزندان انسان اختلاف و درگیری به وقوع می‌پیوندد، او که حامل علم خداوند است، به‌درستی میانشان به قضاوت بنشیند. در سفر خروج می‌خوانیم:

بامدادان واقع شد که موسی برای داوری قوم بنشست و قوم به حضور موسی از صبح تا شام ایستاده بودند؛ و چون پدرزن موسی آنچه را که او با قوم می‌کرد دید، گفت: «این چه‌کار است که تو با قوم می‌کنی؟ چرا تو تنها می‌نشینی و تمامی قوم نزد تو از صبح تا شام می‌ایستند؟» موسی به پدرزن خود گفت که «قوم نزد من می‌آیند تا از خدا مسئلت نمایند. هرگاه ایشان را دعوی شود، نزد من می‌آیند؛ و میان هر‌کس و همسایه‌اش داوری می‌کنم، و قزایض و شرایع خدا را بدیشان تعلیم می‌دهم». (خروج ۱۸: ۱۳–۱۶)

این علم در تمام فرستادگان و جانشینان ایشان جاری و ساری بوده است؛ همان‌گونه که دربارهٔ یوشع جانشین موسی (درو خدا بر هر‌دوی آن‌ها) می‌خوانیم:

و یوشع‌بن نون از روح حکمت مملوء بود، چون که موسی دست‌های خود را بر او نهاده بود. (تثنیه ۳۴: ۹)

و نیز درباره جانشین داوود آمده است:

و حورام گفت: متبارک باد یهوه، خدای اسرائیل که آفریننده آسمان و زمین است، زیرا که به داود پادشاه، پسری حکیم و صاحب معرفت و فهم بخشیده است تا خانه‌ای برای خداوند و خانه‌ای برای سلطنت خویش بنا نماید.

(۲ تواریخ ۲: ۱۲)

این دانش از لوازم ضروری برای برپایی حکومت و نیز برگزیدن کارگزاران بود، همان‌طور که دربارهٔ عزرائی نبی این‌چنین گفته شده است:

و توای عزرا، موافق حکمت خدایت که در دست توسن، قاضیان و داوران، از همه آنانی که شرایع خدایت را می‌دانند نصب نما؛ تا بر جمیع اهل ماورای نهر داوری نمایند و آنانی را که نمی‌دانند تعلیم دهید. (عزرا ۷: ۲۵)

آیات متعددی بر موضوع حکمت در میان فرستادگان الهی دلالت می‌کنند و علاوه بر اینکه منشأ علم ایشان را از سوی خداوند معرفی می‌کنند، نشان از برتری علمی ایشان نسبت به مردم زمانشان نیز هستند؛ و این موجب حیرت مردم دوران ایشان می‌شود؛ از جمله زمانی که عیسی درود خدا بر او باد به کفرناحوم به سخن می‌ایستد: و چون وارد کفرناحوم شدند، بی‌تأمل در روز سبت به کنیسه درآمد، به تعلیم دادن شروع کرد، به قسمی که از تعلیم وی حیران شدند، زیرا که ایشان را مقتدرانه تعلیم می‌داد نه مانند کاتبان؛ و در کنیسه ایشان شخصی بود که روح پلید داشت. ناگاه صیحه زده، گفت: «ای عیسای ناصری ما را با تو چه‌کار است؟ آیا برای هلاک کردن ما آمدی؟ تو را می‌شناسم کبستی، ای قدوس خدا!» عیسی به وی نهیب داده، گفت: «خاموش شو و از او درآی»

در ساعت آن روح خبیث را او مصروع نمود و به آواز بلند صدا زده، از او بیرون آمد؛ و همه متعجب شدند، به حدی که از همدیگر سؤال کرده، گفتند: «این چیست و این چه خبر تعلیم تازه است که ارواح پلید را نیز با قدرت امر می‌کند و اطاعتش می‌نمایند؟» و اسم او فوراً در تمامی مرزوبوم جلیل شهرت یافت. (مرقس ۱: ۲۱–۲۸)

سؤالی که مردم آن دوران از همدیگر پرسیدند دربارهٔ منشأ علم عیسی بود. علمی که حیرت همگان را از قدرت و نفوذی که در اجرای ارادهٔ گوینده‌اش داشت، برانگیخته بود. به‌راستی چه کسی این علم گسترده و حیرت‌آور را به

و شرایع اسلام جمع‌آوری شده است. سید احمدالحسن (ع) توحید و مسائل غامض (پیچیده و دشوار) وجود، جهان‌های موازی، ابهامات رجعت، چگونگی خلقت و ... را تبیین کرده‌اند. آشتی دین با علم در کتاب توهّم الحاد، بیان عقیده صحیح آل محمد (ع) در کتاب عقاید اسلام، رمز‌گشایی از رؤیا و تعبیر آن در کتاب جواب‌های روشن‌گرانه (۷ جلد) آمده است؛ که همگی عمق دانش و سیلاب علوم محمدی سید احمدالحسن (ع) را بر راستی جویان و حقیقت‌طلبان آشکار می‌سازد.

در پایان خاطرنشان می‌سازیم: معجزه حضرت مهدی (ع) علم به کتاب خدا و معرفت است. یمانی موعود(ع) با نگارش بیش از پنجاه جلد کتاب، تأسیس دانشگاه دینی و لغوی و حوزه علمیه مهدوی درهای علم و معرفت را به‌سوی جویندگان دانش گشوده‌اند: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ)؛ (به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟) سید احمدالحسن (ع) پس از رواج جهل در زمان غیبت و فترت، علم الهی را همچون آب روان به‌سوی منتظران جاری ساخته و حیاتی دوباره بر مؤمنان بخشیده است. باشد که با خواندن کتب سید احمدالحسن(ع) بر علم و یقین خود بیفزاییم و پناهگاهی محکم از علوم آل محمد (ع) در آشوب‌ها و فتنه‌های آخرالزمان فراهم آوریم.

پژوهشگر و نویسنده: الطاف دوست (@Altafedoost110)



معجزه مهدی آخرالزمان؟

...تا مردم با آن آشنا بوده و درصدی از غیب در آن باشد. حجت در این زمان، امام مهدی (ع) است و معجزه ایشان متناسب با زمانه ماست.

سید احمدالحسن (ع) درباره معجزه این زمان می‌فرماید: «کل نبی من أنبیاء الله سبحانه وتعالی یبعث بمعجزة، والمعجزة تكون مشابه لما فی زمانه، فعیسی العلی جاء بإحیاء الموتی وشفاء المرضى؛ الانتشار الطب، وموسی جاء بالعصا والآیات؛ لانتشار السحر، ویوسف اللی جاء بالرؤیا وتأویل الرؤیا لانتشارها فی زمانه، والامام المهدی التی أو المهدی الأول الذی یمهد له ایضا یأتی بما یناسب زمانه وهو العلم بکتاب الله والمعرفة و»؛ همان‌گونه که عیسی (ع) با درمان بیماری در روزگار رواج طب، موسی (ع) با عصا و آیات در روزگار رواج سحر، و یوسف با رؤیا و تأویل آن در روزگار رواج رؤیا، آمدند، امام مهدی (ع) نیز، با علم به کتاب خدا و معرفت و رؤیا می‌آید، همان‌گونه که ایرانیان، امام مهدی (ع) را با نام یوسف آل محمد (ع) می‌شناسند». (به نقل از احمد خطاب، فصل الخطاب: ص ۸۷-۸۸)؛ در ادامه، علم و معرفت به‌اختصار تبیین می‌شود:

علم به کتاب خدا و معرفت

– از امام رضا (ع) پرسیدند: یا ابن رسول‌الله بأی شیء تصح الامامه لمذعیها؟ قال (ع): بالنص والدلیل قال له: فدلاله الامام فیما هی؟ قال (ع): فی العلم والاستجابة الدعوه؛ به چه دلیلی، امامت برای مدعی‌اش صحیح و ثابت می‌شود؟ فرمود: با نص و دلیل می‌آید ... عرض کردند: دلایل امامت چیست؟ فرمود: علم و استجابة دعا». (عیون اخبار الرضا: ج ۱، ص ۲۱۶)

– ابی‌جارود نقل کرد: به امام باقر(ع) گفتیم: إِذَا مَضَى الْإِمَامُ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَبِأَيِّ شَيْءٍ يُعْرِفُ مَنْ يَجِيءُ بَعْدَهُ قَالَ: بِالْهُدَى وَالْإِطْرَاقِ وَإِقْرَارِ آلِ مُحَمَّدٍ لَهُ بِالْفَضْلِ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ يَبْنِ صَدَقِهَا إِلَّا أَجَابَ؛ هرگاه قائم اهل‌بیت رود، پس کسی که بعد از او بیاید به چه چیز شناخته می‌شود؟ فرمودند: با هدایت و نشانی و اقرار آل محمد (ع) نسبت به فضیلت برای او و از چیزی درباره قرآن از او سؤال نمی‌شود، مگر آنکه آن را جواب دهد». (غیبت نعمانی: ص ۲۴۲، ج ۴۱)

– عن هارون بن حمزة عن عبد الاعلی قال: قلت لأبی عبدالله (ع) : المتوثب علی هذا الامر، المدعی له، ما الحجة علیه؟ قال: یسأل عن الحلال والحرام؛ به امام صادق (ع) گفتیم: حجت ما با مدعیان دروغین این امر چیست (چگونه او را بشناسیم) فرمود: از او در خصوص حلال و حرام سؤال شود. (کافی: ج ۱، ص ۲۸۴)

بنابراین، مطابق با احادیث، حجت‌های الهی با آگاهی نسبت به قرآن، حلال و حرام و رمز‌گشایی از ابهامات و عظام ... سنجیده می‌شوند. «بشریت در طول مسیرش، درصدد شناخت دو حرف از علم بوده تا اینکه قائم (ع) با نشر ۲۵ حرف از علم قیام خواهد کرد و اگر تدبیر کنیم، این امر همان هدف اصلی خلقت، یعنی معرفت است و معرفت کامل نمی‌گردد، مگر اینکه ۲۷ حرف کامل گردد». (ر.ک. زکی، در پیشگاه صیحه: ص ۱۲۴-۱۲۵) و امروز درهای علوم و حکمت بر اهل علم گشوده شده است و سید احمدالحسن (ع) ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه قرآن را در چهار جلد کتاب متشابهات تبیین و از علوم آل محمد (ع) رمز‌گشایی کرده‌اند. سؤالات مردم از سید احمدالحسن(ع) در چند جلد پاسخ‌های فقهی

مهدی (ع) و اهل سنت

رسول‌الله (ص) در حدیث صحیح فرمود:

«زمین قطعاً پر از ستم و ظلم می‌شود. وقتی پر از ستم و ظلم شد، خداوند مردی از مرا مبعوث می‌کند که نامش نام من است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که پر از ستم و ظلم شده است». (سلسله صحیح آلبانی: شماره ۱۵۲۹)

و درود خداوند، بر محمد و خاندان محمد؛ امامان و مهدیین (ع).

سخن درباره مهدی (ع) خالی از سختی نیست، مگر آنکه خداوند سبحان آن را سهل کند. بسیاری با تکیه بر سخنان علمای بی‌عمل، امام مهدی (ع) را انکار می‌کنند، افرادی که به ظهور ایشان، در آخرالزمان تشکیک وارد می‌کنند؛ و یا به خاطر درگیری‌هایی که بین گروه‌های مسلمانان بالا گرفته است؛ و نیز مسئله‌ای که باعث شده عموم شیعه، مهدی را که در آخرالزمان متولد می‌شود، انکار نموده و نسبت به ایشان تعصب بورزند، به علت ناآگاهی به روایات اهل‌بیت (ع) و کتب علمایشان است و نسبت به اهل سنت – ولادت مهدی، محمدبن‌الحسن (ع) را انکار می‌کنند – دشمنی بورزند، درحالی‌که این انکار اهل سنت ناشی از عدم آگاهی به کتاب‌هایشان می‌باشد که تولد امام محمدبن‌الحسن (ع) را اثبات می‌کنند.

در کتاب سیر اعلام النبلاء ذهبی: ج ۱۳، ص ۱۱۹، شماره ۶۰ آمده است: منتظر شریف، ابوالقاسم، محمد فرزند حسن عسکری فرزند علی هادی، فرزند محمد جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمد باقر، فرزند زین‌العابدین، فرزند علی بن حسین شهید، فرزند امام علی‌بن ابی‌طالب، علوی حسینی که خاتم ۱۲ آقااست.

<http://islamport.com/d/1/trj/3781/161/1.html>

و در فیات‌الاعیان و انبیاء ابناءالزمان که مؤلفش بن خلکان است و در جلد ۴، صفحه ۱۷۶، شماره ۵۶۲ آمده است: ابوالقاسم منتظر، ابوالقاسم محمد، فرزند حسن عسکری، فرزند علی هادی، فرزند محمد جواد که پیش از او ذکر شده است. با توجه به اعتقاد امامیه، دوازدهمین امامان دوازده‌گانه است و معروف به حجت است.

<http://islamport.com/d/1/trj/4553/214/1.html>

ذهبی، ایشان را در عبر فی خبر من غیر: ج ۱، ص ۹۲ ذکر کرده است و ذیل عنوان سال ۲۶۵ آورده است: «...محمد فرزند حسن عسکری، فرزند علی هادی، فرزند محمد جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، علوی حسینی. ابوالقاسم که رافضیان به او، این لقب را دادند: خلف حجت؛ و همچنین لقبش، مهدی و منتظر است و همچنین لقبش، صاحب‌الزمان است».

و برخی از اهل باطل، این مقام را از روی دروغ، مدعی شدند؛ مانند کاری که مهدی جهیمان انجام داد.

این مطالب که عرض نمودیم، مردم، راه استوارِ آمادگی آمدن مهدی (ع) و ایمان به ایشان را از بین بردند؛ و بهره بسیار از بین بردن، بهره اهل سنت بود که عادتشان، مسخره‌نمودن

عقیده شیعه، نسبت به مهدی محمدبن‌الحسن (ع) بود؛ درنتیجه این مسئله که خداوند آن را در قرآن مذمت نموده است، آنان را در اندیشه در آنچه مهم‌تر و سودمندتر است، بازداشت. «نسوا الله فنسیهم»؛ «خداوند را فراموش کردند و خداوند، آنان را فراموش کرد». (توبه: ۶۷)

برای گروه‌های اسلامی، بهتر بود که با تهی‌بودن، نسبت به موضوع مهدی (ع) جست‌وجو کنند تا نسبت به مهم‌ترین پرسش‌ها توقفی داشته باشند؛ پرسش‌هایی که با شناخت پاسخ آن، انسان از ایستادن در مقابل مهدی و مقابله با او رهایی می‌یابد. به‌عنوان پرسش:

اگر مهدی بیاید، او را چگونه بشناسیم؟ و مدعی مهدویت صادق را چگونه از کاذب تشخیص دهیم؟ و تکلیف ما، در مقابل مهدی (ع) چیست؟

و امثال این پرسش‌هایی که قطعاً انسان را در امتحان بین شناخت حقیقت و یاری ایشان و ناآگاهی نسبت به‌حق و مقابله با آن قرار می‌دهد. خداوند، من و شما را حفظ کند.

ابو مغیره و دیگران، از صفوان، از کعب، به ما حدیث نمودند که می‌گوید: منصور مهدی، فردی است که اهل آسمان و زمین و پرنده آسمان، بر او درود می‌فرستند. بیست سال، به کشتار روم و نبردها مبتلا می‌شود؛ سپس او و دو هزار نفر که با ایشان هستند، در نبرد بزرگ شهید می‌شود. همگی آنان امیر و صاحب پرچم هستند. مسلمانان پس از رسول‌الله (صلی الله علیه و سلم) به مصیبتی بزرگ‌تر از آن نرسیدند».

فتن المروزی – لنعیم بن حماد: حدیث رقم ۱۲۹۹ الناشر: مكتبة التوحید – القاهرة الطبعة الأولى، سنة ۱۴۱۲، تحقیق: سمیر امین الزهیری

<http://islamport.com/d/1/aqd/400/137/1.html>



مهدی (ع) و اهل سنت

می‌یابد؛ لذا شما در ترکیب جسم انسان با معادنی روبرو هستی. در حقیقت در اینجا ما با نفس، جسم مادی مرئی و جسم مادی غیرمرئی سروکار داریم. برای اینکه مطلب برای شما آسان شود، می‌گوییم برای یک جسم نامرئی، در حقیقت تجلیات بسیار زیاد و ظهورهای بسیاری زیادی وجود دارد که به تعداد آن‌ها برای انسان، جسم یافت می‌شود». (کتاب همراه با عبد صالح، جلد اول، ایستگاه سوم) بنا براین شبهه عدم امکان طول بیش از ۱۰۰۰ سال امام مهدی (ع) این‌گونه فاقد اعتبار می‌گردد، زیرا قوانین برخی جهان‌های دیگر این امکان را فراهم می‌کنند.



طول عمر امام زمان (ع)؟

... «از آن‌جا که امروزه ژن‌های انسان تا حد قابل قبولی شناخته شده‌اند و دانشمندان علل ژنتیکی را می‌دانند و می‌فهمند که چرا سلول‌ها پیر می‌شوند و بدن انسان تجزیه می‌شود، همین دانشمندان تحقیقاتی را جهت ایجاد جهش ژنتیکی برای طولانی کردن عمر انسان انجام می‌دهند. دستیابی به این امر یک روز ممکن است به نتیجه برسد.

دانشمندان نیز به صورت قطعی می‌دانند که انسان در زمان نوح (ع) و قبل از آن، هزار سال یا حتی نزدیک به این مقدار زندگی نمی‌کرد، دقیقاً همان‌گونه که شما طول خط‌کشی که در دست داری را به‌دقت می‌دانی». (کتاب عقاید الاسلام ص ۴۲) بنابراین، اینکه به صورت طبیعی انسان بتواند ۱۰۰۰ سال یا بیشتر زندگی کند، ممکن نیست و هیچ توجیه علمی ندارد.

اما چطور امام مهدی (ع) پس از بازه زمانی مذکور مجدداً ظهور خواهند کرد و با جسم زمینی خود به تمکین خواهند رسید؟

با فهم رفع و جهان‌های موازی، غیبت امام زمان قابل توجیه است، زیرا ما قائل به زندگی پیوسته و دائم ایشان در جهان خود نیستیم؛ و از آنجا که وجود جهان‌های دیگر مورد تأیید علمی قرار گرفته است و نیز طبق متون دینی که از عبارت رفع برای انبیایی نظیر ادریس، ایلای نبی و حضرت عیسی (ع) استفاده شده است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که امام مهدی (ع) نیز همچون عیسی مسیح رفع نموده و جسم ایشان دائم در جهان ما نیست که مستهلک شود.

سید احمدالحسن در این موضوع می‌نویسند:

«شخص مرفوع اصلاً پنهان نشده، بلکه همه ماجرا این است که او به عالم دیگری که با عالم ما موازی است و در جهت نور از عالم ما برتر است، منتقل شده است». (کتاب - عقاید الاسلام، ص ۳۲۹)

و در جایی دیگر می‌گویند:

«وجود انسان-هر انسانی- از آسمان اول یا منتهی‌الیه پایینی آن (همان نفس اوست) تا به چگال‌ترین (متراکم‌ترین) چیز در این عالم جسمانی امتداد

دستور اخلاقی

آنچه ثمره حرکت در صراط مستقیم می‌باشد کسب اخلاق و رنگ الهی است و راه از ثمره‌اش شناخته می‌گردد. در حال حاضر چه بسیارند مدعیان دین‌داری و حرکت در مسیر الی الله، اما تهی از ثمره آن بوده و در توهّم حرکت حقیقی هستند. در هر زمان معلمی از طرف خداوند بوده تا همه انسان‌ها را تعلیم و تزکیه نماید. (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)؛ (او کسی است که در میان جمعیت اُمّی رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد). (جمعه: ۲) حال در این ایام مبارک شعبان و رمضان، معلم الهی، سید احمدالحسن (ع) برنامه‌ای عملی جهت محاسبه خود و میزان درستی اعمالمان خصوصاً نماز و روزه به ما ارائه نموده است؛ (پیام صفحه فیس‌بوک سید احمدالحسن (ع)، ۵ مه ۲۰۱۸ م) که با استفاده کاربردی آن می‌توانیم ضعف‌ها و کوتاهی‌های خود را یافته و مسیر خود را در راه مستقیم الی‌الله اصلاح نماییم؛ حداقل استفاده از دستور امام، تهیه جدول زیر برای این ایام بوده و روزانه آن را مورد بررسی و تکمیل قرار دهیم.

جدول دستورات اخلاقی

موضوع	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه
اجتناب از حرام خداوند							
اجتناب از ناموس دیگران							
نفرت از دروغگویی							
غیبت نکردن							
پرهیز از سخن‌چینی							
پرهیز از جدال و بحث بی‌ثمر							
ابراز ندامت و عذرخواهی هنگام تقصیر							
قناعت و کفایت به عطای الهی							
آرزوی خوشبختی برای دیگران							
تقسیم شادی با دیگران							
بخشش و انفاق در تنگدستی							
ادای واجبات به نحو احسن							
افزوده شدن یقین در دل							
باز شدن درب‌های ملکوت							
تلاش در کسب اخلاق الهی							

منابع رسمی دعوت مبارک یمانت موعود، سید احمدالحسن

سایت مؤسسه وارثین ملکوت

VARESIN.ORG

ارتباط با ما

@ZAMANE_ZOHOUR

صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمدالحسن

/AHMED.ALHASAN.10313

سایت رسمی فارسی

ALMAHDYOON.CO

سایت هفته‌نامه زمان ظهور

ZAMANEZOHOOR.COM

کانال تلگرام هفته‌نامه زمان ظهور

@ZAMAN_ZOHOUR